

زندگی و آثار امین‌اله حسین

بهمن مه آبادی



امین‌اله حسین در بیستام خرداد ۱۲۸۴ خورشیدی برابر با بیستم ژوئن ۱۹۰۵ میلادی در سمرقند (جمهوری ازبکستان) از مادری ایرانی و پدری آذربایجانی چشم به جهان گشود، هنگامی که نوجوانی بیش نبود برای گذراندن تحصیلات متوسطه به مسکو رفت و در طی این دوره آموزش‌های اولیه ویلن را از مادر خود فرا گرفت و شیفته این هنر شد؛ پدرش احمد حسین مردی فرهنگ دوست و تحصیل کرده بود که بعدها

بالاجبار نام حسین آف را برگزید؛ احمد حسین در مراجعت به تهران با نام‌خانوادگی امیری شناسنامه دریافت کرد؛ امین‌اله در خانه پدرش از نعمت شنیدن موسیقی ایرانی به وسیله گرامافونی که در منزل داشتند بهره‌مند شد و از این نوع موسیقی، شناختی کامل پیدا کرد؛ صفحات تار درویش خان و آواز حاج حسین قلی خان، روح حسین جوان را با زیبایی جاودانه‌ی موسیقی ایرانی، سرشار ساخت؛ حسین در مسکو به یادگیری ویلن همچنان ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برابر با ۱۹۲۲ میلادی مسکو را به قصد سفر به برلین ترک گفت، او در برلین تمام وجود خود را از موسیقی انباشت و یکسره به این هنر پرداخت؛ وی با آنکه بنا به توصیه پدرش برای تحصیل طب به آنجا رفته بود ولی موسیقی را با روحیات خود سازگار یافت و عزم خویش را برای آموختن و یادگیری آن جزم کرد؛ در سال دوم اقامتش در برلین (۱۳۰۲ خورشیدی برابر



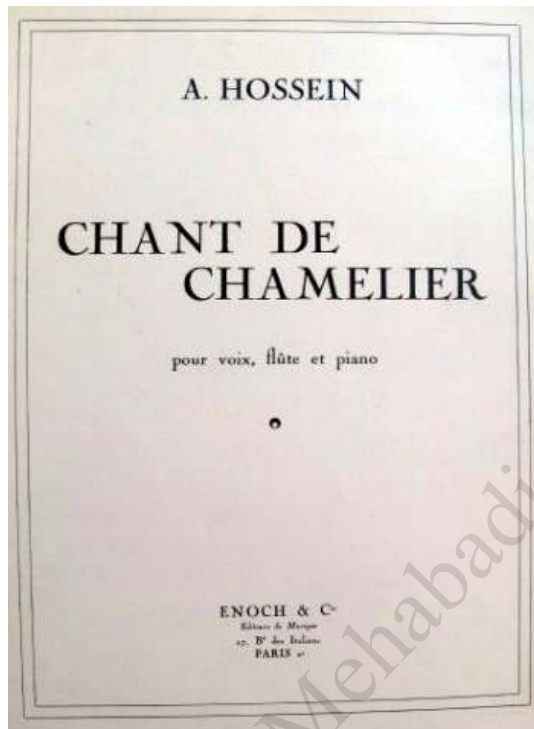
امین‌اله حسین

با ۱۹۲۴ میلادی) با آنا مینه‌وسکایا^۱ برای همیشه پیمان زندگی بست و روش تازه‌ای را در پیش گرفت و در کار موسیقی خود عمیق‌تر شد، چهار سال دوران اقامتش در برلین پر از موسیقی بود؛ او تحصیلات موسیقی خود را در پیانو نزد آرتور اشنابل^۲ و در آهنگسازی با ویلهلم کلاته^۳ پی گرفت؛ در همین ایام سعی وافری را برای منطبق کردن موسیقی ایران با مبانی موسیقی علمی جهان آغاز نمود، از آنجا که خانواده حسین عاشق شعر و موسیقی بود او نیز چون پدر بزرگش سینه‌ای آکنده از ادبیات و قطعات شاعران

¹ Anna Minevskaya

² Artur Schnabel

³ Wilhelm Klate



فارسی زبان و ذهنی مملو از زمزمه‌های عارفانه‌ی موسیقی ایران داشت؛ او با این علایق و الفت‌ها بود که دوران چهارساله تحصیل خود را در آلمان به پایان برد و راهی پاریس شد، در پاریس اقدامات لازم را برای ورود به کنسرواتور انجام داد؛ حسین اولین آهنگساز ایرانی است که تحصیلات موسیقی خود را در کنسرواتور پاریس به پایان رسانده است، وی در آنجا رشته آهنگسازی را پیش نوئل گالن^۴ و پل ویدال^۵ پی‌گیری کرد و پیانو را نزد پروفیسور آلفرد کورتو^۶ فراگرفت؛ از آن پس حسین به تصنیف آهنگ پرداخت و آثاری را در فرم اتود^۷ و راپسودی^۸ تصنیف کرد، او قطعاتی از آهنگ‌ها و ترانه‌های محلی ایران را برای آواز و پیانو و پیانوی تنها تنظیم نمود؛ سال‌ها به دور از وطن گذشت اما این دوری او را از وطن و فرهنگ موسیقایی زادگاهش جدا نکرد، وی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی برابر با ۱۹۴۱ میلادی تصنیف آثاری را آغاز کرد که بعدها در تاریخ موسیقی ایران و جهان جایگاه ویژه‌ای یافت، پوئم سمفونیک خرابه‌های تخت جمشید؛ این اثر که سمفونی دوم اوست، پنج سال از عمر حسین را به خود اختصاص داد، در ۱۳۲۵ خورشیدی برابر با ۱۹۴۶ میلادی نت‌های پوئم سمفونیک خرابه‌های تخت جمشید از زیر دست او بیرون آمد و وی شادمانه اجرای آن را پی‌گرفت؛ نخستین بار به سال ۱۳۲۶ خورشیدی برابر با ۱۹۴۷ میلادی ارکستر لاموروی پاریس این سمفونی را به اجرا درآورد، اما این آخرین نبود؛ در سال ۱۳۳۰ خورشیدی برابر با ۱۹۵۱ میلادی ارکستر سمفونیک

^۴ Noel Galon

^۵ Paul Antoine Vidal

^۶ Alfred Korto

^۷ Etude

^۸ Rhapsody



امین‌اله حسین

لندن آن را به اجرا گذاشت، پس از آن نام پوئم سمفونیک پرسپولیس و امین‌اله حسین بر سر زبان‌ها افتاد، رهبری بسیار ماهرانه بازیل کامرون^۹ در تالار وست مینیستر^{۱۰} و توجه خاص سمفونیک لندن شهرت او را در اروپا بیش از پیش گسترد؛ پوئم سمفونیک خرابه‌های تخت جمشید اثری تصویری و غم‌انگیز است، این سمفونی از چهار قسمت تشکیل می‌شود؛ قسمت اول مُدراتو^{۱۱} که حالتی تصویری دارد، ستون‌های تخت جمشید مغرورانه برپایند و عظمت بنای با شکوه آن در فضای موسیقی موج می‌زند، نوستالژی عمیقی در این



قسمت به مشام می‌رسد، دومین موومان، ماستوزو سوس‌ته‌نوتو^{۱۲} تداعی کننده دوران با عظمت ایران است، این قسمت، اقتدار و شکوه بی‌پایانی را جلوه‌گر می‌سازد؛ سومین بخش این سمفونی، آندانتِه دولوروزو^{۱۳} حالتی از اندوه، گریه و ماتم را به خود می‌گیرد! آیا در این قسمت نیست که حسین با یادآوری خاطرات غم‌بار خود می‌گرید؟ این اشک و رنج، به امید، گرما و آینده روشن گره می‌خورد و سمفونی در حالی که مصمم است حس امید و جاودانگی را منتقل کند به پایان می‌رسد؛ تکنیک موسیقی امین‌اله حسین ساده و روان است، او از شیوه‌های روسی و فرانسوی در

^۹ Bazil Cameron

^{۱۰} West Minister

^{۱۱} Moderato

^{۱۲} Maestoso Sostenuto

^{۱۳} Andante Doloroso

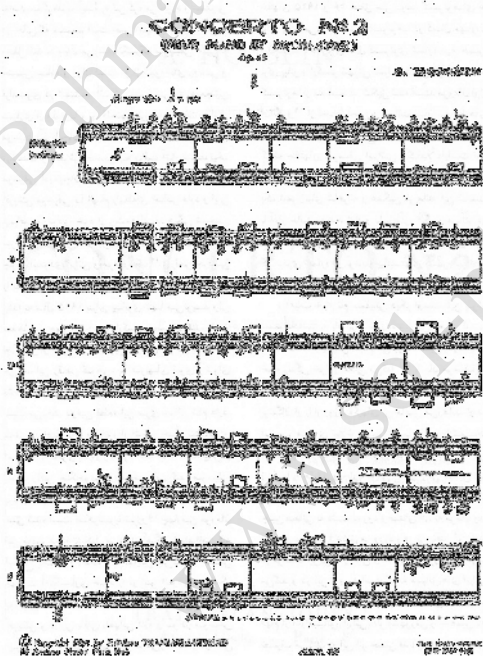
A. HOSSEIN

CONCERTO N° 2

pour piano et orchestre
op. 46

Piano principal
(avec un second piano
réduction de l'orchestre)

Editions Musicales
TRANSATLANTIQUES
14, Avenue Hoche - Paris 8^e



تصنیف آثارش سود می‌برد، همچنین بسیاری از ملودی‌ها و پرداخت‌هایش به نغمات و آثار موسیقی آذربایجان شبیه است و بی‌مناسبت با موسیقی ترکستان و نگرش حسین به بافت آثار سمفونیک موسیقی آذربایجان نیست؛ زیرا وی معتقد است که آفرینش موسیقی با الهام رابطه‌ای خاص دارد و این ارتباط، به خودی خود از ریشه‌های فرهنگی شخص سرچشمه می‌گیرد؛ حسین در فاصله این سال‌ها، آثاری چون راپسودی ایرانی و هومورسک^{۱۴} و رقص چرکسی را تصنیف می‌کند، او قطعات اتود سمفونیک خود را ابتدا به سال ۱۳۲۴ خوشیدی برابر با ۱۹۴۵ میلادی برای پیانوی تنها می‌نویسد ولی بعدها این چهار اثر را برای ارکستر تنظیم می‌کند، رقص چرکسی او نمونه‌ای از بهترین کارهای این فرم به حساب می‌آید، این رقص کوهی، با ضرب‌های قوی و نوای نشاط‌انگیز، تلاش مداوم او را برای تصنیف این نوع کار نشان می‌دهد؛ دومین قطعه این سری ساقی نام دارد، ساقی در اصل یک مینیاتور از اشعار خیام نیشابوری است که به نحوی بسیار زیبا پرداخت شده است و رقص جنگجویان را پیش از جنگ مجسم می‌کند؛ موسیقی پر قدرت و با شکوه این سومین بخش، بسیار پر حرارت خلق شده است؛ "اسکرتسو"^{۱۵} یا "شرزو"^{۱۶} چهارمین موومان این مجموعه را تشکیل می‌دهد، آهنگی استهزاآمیز، که اجتماع یک عده دلک را به نمایش می‌گذارد؛ حسین مهارت آهنگسازی خود را در این اتود سمفونیک به خوبی نشان داده است، او با عشق عمیق‌اش به هنر و آفرینش، در پی یافتن راه‌هایی تازه و نو در موسیقی ایرانی نبوغ خود را به ثبوت می‌رساند و در طی دوره‌های مختلف زندگی‌اش، جز

^{۱۴} Humoresque

^{۱۵} Scherzo

^{۱۶} Scherzo



اهتمام به هنر و پرداختن به موسیقی کار دیگری نمی‌کند؛ از آثار دیگری که در بین سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ خورشیدی برابر با ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ میلادی خلق می‌شوند، کنسرتوهای او برای پیانو هستند، این کنسرتوها در کمال مهارت ساخته شده‌اند؛ برای مثال کنسرتوی شماره دوم حسین برای پیانو و ارکستر شهرتی به سزا دارد، این اثر هم‌چون تمام کنسرتوها از سه قسمت تشکیل شده است؛ موومان اول آن الگرو^{۱۷}، از لحاظ لحن و حالت بیان به کارهای سرگی پرگوفیف^{۱۸} و دیمیتری شوستاکویچ^{۱۹} شبیه است، این قسمت گرچه حالت‌های موسیقی ایرانی را کاملاً داراست اما زبانی مدرن‌تر را برگزیده است؛ دومین موومان آندانتته به یک شعر زیبای شاعرانه و غمگین می‌ماند، این قسمت با آغاز حالت پرتحرک، شاد و نشاط‌آور

^{۱۷} Allegro

^{۱۸} Sergei Prokofiev

^{۱۹} Dimitri Shostakovich

آلگرو مولتو در موومان سوم به شدت و سرعت تبدیل می‌شود، کنسرتوی شماره دو به وسیله پیانیست‌های مشهور نیز اجرا شده است؛ رباعیات خیام نام سمفونی دیگر اوست، این پوئم سمفونیک نیز به یاد ایران سروده شده و اولین اجرای آن به سال ۱۳۳۰ خورشیدی برابر با ۱۹۵۱ میلادی در پاریس انجام می‌گیرد؛ حسین با رباعیات خیام زندگی خود را معنی می‌کند، او با بیان موسیقایی این اشعار است که اصالت خویش را می‌نمایاند؛ نغمه پرندگان حسین را از روزمره‌گی‌های بی‌حاصل می‌رهاند، او در این سیر معنوی، تلاش عبث از هیچ را تمسخر می‌کند و به زیبایی‌های معنوی پناه می‌برد؛ زیرا این زیبایی‌ها را حقیقی و جاودانه می‌داند و از بی‌اعتنایی آنها به گذر زمانه خشنود است، حسین با برخورداری از چنین صفاتی به دشت، رود و صدای طبیعت، به مرغان رها در باد و به سیمرغ عشق می‌ورزد و در پی یافتن این همه در فرهنگ ایرانی، آثار ادبی و نقاشی کشورش را مرور می‌کند و در این پروسه است که به مینیاتورهای ایرانی می‌رسد؛ وی صداهای مصنوعی را کنار می‌گذارد و با الهام از آثار مینیاتور ایرانی، اثر مشهورش را به همین نام تصنیف می‌کند؛ در این اثر، حسین فضا و حالت موسیقی ایران را مدنظر قرار می‌دهد و از سیمرغ به عنوان نماد روحی بزرگ و جاودانه که در ذره ذره خاک ایران آشیانه دارد، الهام می‌گیرد؛ او در تابلوهای مینیاتور ایرانی خود، گل‌ها، آدم‌ها، نسل‌ها و زیبایی آن‌ها را ستایش می‌کند و اثرش را در گرمی داشت این همه می‌سراید؛ وی سرگذشت وطنش را باز می‌گوید و از عشق‌ها و مهربانی‌ها، از تنهایی، جاودانگی، مرگ و زندگی می‌سراید؛ حسین تخیل قدرتمند خود را در کار آفرینش موسیقی تا به آن حد پرورش می‌دهد که زبان جهانی‌اش تثبیت می‌گردد، در افسانه‌های شرقی، در منطق‌الطیر، در شمس تبریز غوطه می‌خورد و سرانجام به هزار و یک شب می‌رسد، هزار و یک حکایت از شهر خیال‌انگیز تخیل او و آمیختگی این همه با فرهنگ ایران، باعث خلق اثری می‌شود که با آثار جاویدان موسیقی شرق برابری می‌کند؛ سویت سمفونیک شهرزاد (۱۳۵۴ خورشیدی برابر با ۱۹۷۵ میلادی)، اثری است که او، انواعی از احساسات و نبوغ خود را در قالب آن عرضه می‌کند؛ این اثر برای ارکستر ساخته شده است و استعداد درخشان حسین را در سازشناسی، هارمونیزاسیون و تقسیم ایده و موضوع بین سازها به نمایش می‌گذارد، اجرای سویت سمفونیک شهرزاد، دوست‌داران موسیقی حسین را به تحسین و امیدواران و شنوندگان هم‌وطن او را با اثری که حالت‌های موسیقی ایرانی در آن پیداست آشنا می‌سازد؛ حسین آثاری نیز تحت عنوان موسیقی برای فیلم از خود به یادگار گذاشته است، که در خور توجه‌اند؛ امین‌اله حسین در ۱۳۵۶ خورشیدی برابر با ۱۹۷۷ میلادی، به دیدار وطن محبوبش می‌شتابد و با دیدن سرزمین آبا و اجدادی خود، تسکین یافته و به پاریس مراجعت می‌کند؛ او در طی این سال‌ها سمفونی دیگر خود، آریا^{۲۰} را تصنیف می‌کند؛ این اثر نیز کاملاً ایرانی است؛ او در اوج شهرت به خلق آثار دیگری می‌اندیشد، اما درست در سال‌های نخست دهه شصت (۱۸ مرداد ۱۳۶۲ خورشیدی برابر با نهم آگوست ۱۹۸۳ میلادی) خاک سرد آن وجود گرم و نازنین را برای همیشه در آغوش می‌فشارد! او در پاریس خاموش می‌شود؛ با این حال آثار پر ارزش حسین، نام و آوازه او را در ردیف بزرگان موسیقی جهان به ثبت می‌رساند.